

ارزیابی نقش فضای باز مجتمع های مسکونی بر ایجاد حس امنیت ساکنین با تاکید بر رویکرد CPTED (نمونه موردی: مسکن مهر رشت)

مهسا عبدی سلوط*؛ دانشجوی دکتری معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، ایران

m.abdisolout@gmail.com

سید جواد خادمی؛ دانشجوی دکتری معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، ایران

parsa.khademi@yahoo.com

حسین صفری؛ دکتری معماری و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، ایران

چکیده

امنیت به عنوان یکی از شاخص های مهم کیفیت زندگی شهری و به عنوان عاملی روانی موثر بر کشش و جذابیت فضای عمومی مورد توجه می باشد. مسکن به عنوان یک عنصر تعیین کننده در سازمان اجتماعی، در شکل گیری هویت فردی، امنیت، روابط اجتماعی و اهداف جمعی افراد نقش مؤثری دارد. با توجه به تحولات اقتصادی و فرهنگی - اجتماعی معاصر و هم چنین افزایش سرعت شهرنشینی، ایجاد مسکن در قالب مجتمع های مسکونی در راستای پاسخ گویی به نیاز طبقات مختلف مردم از مهم ترین چالش های کشورهای کمتر توسعه یافته از جمله ایران است. در همین راستا و به دلیل کمبود مسکن و گرانی آن جهت تامین مسکن اقشار آسیب پذیر مجتمع هایی در قالب مسکن مهر شکل گرفتند. نادیده گرفتن ابعاد اجتماعی و توجه به جنبه های اقتصادی در مسکن مهر موجب شکل گیری توده های از ساختمان های بی روح و عاری از سرزندگی شده است. یکی از اهداف این تحقیق بررسی مولفه های ادراکی و کالبدی موثر بر امنیت ساکنین در فضاهای باز مجتمع های مسکونی با تاکید بر رویکرد CPTED می باشد. این پژوهش از نوع تحقیق کمی و به روش توصیفی - تحلیلی و از لحاظ هدف کاربردی می باشد. جمع آوری اطلاعات به روش کتابخانه ای و پرسشنامه صورت گرفته و تحلیل ها به کمک نرم افزار SPSS انجام شده است. مولفه های موثر بر ایجاد امنیت به ۲ عامل کالبدی و روانشناختی - ادراکی دسته بندی شده است. نتایج پژوهش نشان می دهد که به طور میانگین ساکنان از امنیت مجموعه مسکن مهر رشت با توجه به مولفه های ادراکی - روانشناختی رضایت متوسط و از مولفه های کالبدی (روشنایی شبانه-رویت پذیری-کنترل ورودی ها-تفکیک مسیرها-کیفیت بصری-خدمات رسانی و...) رضایت کمی داشته اند. در نتیجه میان شاخص های فضای باز و امنیت رابطه مستقیمی وجود دارد. بنابراین، نیاز به بازنگری و توجه ویژه به امنیت فضای باز مجتمع های مسکونی امروزی به عنوان حیاط مشترک و جمعی، در راستای افزایش کیفیت زندگی و ایجاد حس سرزندگی ضروری می باشد. در همین راستا پیشنهادهایی جهت ارتقا امنیت مجموعه نیز طی جدولی ارائه شده است.

کلمات کلیدی: امنیت، فضای باز، مجتمع مسکونی، مسکن مهر رشت، CPTED.

۱- مقدمه

مطالعه یک محیط مسکونی به دلیل تاثیر گذاری بر شاخص های مهم برنامه ریزی، همچون کیفیت زندگی مورد اهمیت است و شاخص امنیت در محیط های شهری یکی از الزامات اساسی در حصول ارتقای کیفیت زندگی شهروندان محسوب می شود (درودی، ۱۳۹۶: ۱۰۵). هم چنین مسکن، عنصری تعیین کننده در سازمان اجتماعی است که در شکل گیری هویت فردی، امنیت، روابط اجتماعی و اهداف جمعی افراد نقش مؤثری دارد (رضایی و همکاران، ۱۳۹۱). در مجتمع ها و محیط های مسکونی، فضای جمعی و باز، یکی از عرصه های مشترک زندگی بوده که بایستی مورد توجه قرار گیرد (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۶). طراحی مجموعه های مسکونی صرفا چیدن تعدادی بلوک ساختمانی به صورت توده هایی مشابه یکدیگر در کنار هم نیست، بلکه بایستی با ایجاد محصوریت فضایی و فراهم آوردن فضای باز بین توده ساختمانی و فضای شهری در جانمایی بلوک ها اندیشیده گردد (کریمی نژاد & آبادی، ۱۳۹۶: ۳).

یکی از مهم ترین ابعاد فضاهای باز ایجاد فرصت هایی جهت تعاملات اجتماعی می باشد که موجب رابطه قوی تری میان مردم با محیط و جامعه می شود (شجاع و سجاد زاده، ۱۳۹۴: ۲). هر چه یک فرد احساس امنیت بیشتری از محیط مسکونی خود داشته باشد، راحت تر به تعاملات اجتماعی در آن محیط می پردازد (غفوریان و حساری، ۱۳۹۵: ۹۵-۹۳). در این خصوص نیز می توان به "نظریه فضاهای قابل دفاع" اسکار نیومن و توصیه های جین جیکوبز (۱۳۸۶) اشاره کرد که می توان با افزایش سطح جذابیت محیط به کمک حضور شهروندان، از متروک ماندن فضا جلوگیری به عمل آید.

فضای مابین ساختمان های مسکونی، بستری جهت پیوند ساکنان با یکدیگر و طبیعت و محلی برای گذران اوقات فراغت است. به عقیده "یان گل" ناحیه ای که یک فرد به عنوان محل سکونت و یا محیط مسکونی آن را درک و مشاهده می کند، می تواند فراتر از محل سکونت، به عنوان یک فضای عمومی، کاربردی وسیع تر یابد (Gehl, ۱۹۸۷). امنیت معیاری کیفی است که موجب ارتقای کیفیت محیط می شود. به طوری که نبود امنیت در مکان های عمومی، می تواند سبب کاهش جذابیت و عدم سرزندگی فضاها شود (کارمونا، ترنر، تیسدل، & استیون، ۱۳۸۸). موضوعی که در دومین اجلاس ساکنان بشر (۱۳۳۶) در استانبول مطرح شد این بود که مسکن مناسب تنها به معنای وجود یک سقف بالای سر هر شخص نیست، سرپناه مناسب یعنی آسایش و فضای مناسب، دسترسی فیزیکی و امنیت مناسب، روشنایی، تهویه و سیستم گرمایی مناسب، زیرساخت های اولیه مناسب از قبیل آب رسانی، بهداشت و آموزش، دفع زباله، کیفیت مناسب زیست محیطی، عوامل بهداشتی مناسب امکان مناسب و قابل دسترسی از نظر کار و تسهیلات اولیه که همه این موارد باید با توجه به استطاعت مردم تأمین شود (دلال پورمحمدی، ۱۳۹۱: ۳).

با توجه به اینکه بخش عمده ای از فعالیت های اجتماعی ساکنان مجموعه های مسکونی در فضاهای باز میان بلوک های ساختمانی صورت می گیرد توجه به ویژگی های کالبدی و محیطی موثر بر افزایش امنیت در این فضا ها ضروری می باشد. عدم توجه به ابعاد اجتماعی در پروژه مسکن مهر رشت، قرارگیری توده های ساختمانی بدون در نظر گرفتن تاثیر مثبت فضاهای باز بر ارتقای کیفیت زندگی ساکنین و افزایش رضایت و حس امنیت و هم چنین تمرکز صرف بر خانه دار کردن مردم بدون در نظر گرفتن نیاز های اجتماعی شهروندان ضرورت بازنگری بر این فضاها را ایجاب می کند. هدف اصلی تحقیق حاضر عبارت است از: ارزیابی میزان تاثیر فضای های باز بر ایجاد حس امنیت در مجتمع های مسکونی که شامل بررسی مولفه های ادراکی و کالبدی فضاهای باز با تاکید بر رویکرد CPTED در مجموعه مسکونی مهر می باشد. هم چنین این تحقیق در راستای رسیدن به اهداف خود سعی دارد به این سوال پاسخ دهد، که چگونه عناصر کالبدی و ادراکی فضای باز می تواند در امنیت مجتمع های مسکونی موثر باشد و کدام عامل تاثیر بیشتری بر افزایش امنیت ساکنان دارد؟

۲- پیشینه تحقیق

مطالعات متعددی بر روی فضاهای باز در مسکن انجام شده است. برخی از نقدها در حوزه مطالعات محیطی که مورد نظر این مقاله است، مربوط به کیفیت فضای باز مابین بلوک ها، در مجموعه های مسکونی است (Carret et al., ۱۹۹۲, ۹-۱۰). در رابطه با اهمیت فضاهای باز و هم نشینی این فضاها و ارتباطشان با فضاهای بسته تحقیقات زیادی انجام شده است و محققین گونه های مختلفی از مجموعه های مسکونی را در ارتباط با فضای باز و حیاط دسته بندی کرده اند (Pfeifer & Braune, 2008: 7). کوپر مارکوس و سارمسیاندر (۱۹۸۶) در تحقیقاتشان بر رابطه مستقیم فضاهای باز میان بلوک ها و موفقیت مجتمع های مسکونی تأکید می کنند. در رابطه با فضای باز مجتمع های مسکونی و پاسخ دهی محیطی آن ها (جلیلی، عینی فر، ۱۳۹۲: ۵۷-۶۸)، تاثیر این فضا بر افزایش تعاملات اجتماعی ساکنین (بزدانی، تیموری، ۱۳۹۳: ۸۳-۹۲) و بر ارتقا کیفیت محیطی مجتمع های مسکونی (رزمنجو، ۱۳۹۴: ۱۶-۱) و حس دل بستگی به مکان (معصومی، میرخطیب، ۱۳۹۶: ۷۳-۵۲) نیز تحقیقاتی صورت گرفته است. در زمینه اهمیت و نقش این فضاها در مقاله ای (امیدی، نوروزیان ملکی، ۱۳۹۸: ۳۱۶-۳۰۸) به ارزیابی مولفه های کالبدی و اجتماعی در افزایش حس مکان در فضای های باز این مجتمع ها و در مطالعاتی بر اساس تئوری جدید طراحی شهری کریستوفر الکساندر به تبیین الگوهای فضای باز در طراحی مجموعه های مسکونی پرداخته شده است (دوستی، معینی، دژدار، ۱۳۹۶: ۱۳-۱). پژوهشی در زمینه سرزندگی بر تاثیر ویژگی های پیاده مداری بروی ارتقای حس سرزندگی در فضاهای باز تأکید می کند (عظمتی، پرویزی، پورباقر، مومنی زاده، ۱۳۹۶). تحقیقات پیمایشی (Jalili, Einifar, & Talischi, 2014) چارچوبی از عوامل فعال فضای باز مسکونی و کیفیت زندگی اجتماعی ساکنان در شهر همدان را نشان می دهد.

در حوزه امنیت مجموعه های مسکونی مطالعاتی پیرامون امنیت محله های مسکونی بر اساس مولفه های کالبدی فضا (Naghbi, Faizi, Khakzand, & Fattahi, 2015: 265-274) عوامل محیطی و فیزیکی (Yazdanfara & Nazarib, 2015, 224-233) امنیت فضاهای عمومی (Beeler, 2011) زنان و امنیت فضاهای عمومی (گلی، ۱۳۹۰: ۱۴۳-۱۶۴) امنیت مجتمع های مسکونی (قریشی، یوسف زمانی، ۱۳۹۳) (کریمی نژاد، دولت آبادی، ۱۳۹۶) پیاده راه های رشت (صفری، خوشروی، ۱۳۹۷) و هم چنین ایجاد امنیت بر اساس رویکرد پیشگیری از جرم CPTED در پارک بانوان (نهادندی پور، رحمتی زاده، ۱۳۹۸)، مجموعه های مسکونی کم درآمد (kim & Noh, ۲۰۱۸) و محیط های مسکونی (غیاثوند، ذبیحی، ۱۳۹۵: ۱۳۹-۱۷۲) صورت گرفته است.

۳- روش تحقیق

این پژوهش از نوع تحقیق کمی و به روش توصیفی - تحلیلی و از لحاظ هدف کاربردی می باشد. شاخص ها و متغیرهای مورد تحلیل در این پژوهش، دربرگیرنده مولفه های موثر بر امنیت محیطی، با تکیه بر شاخص های رویکرد CPTED است. روش گردآوری داده ها و اطلاعات کتابخانه ای و پیمایشی مبتنی بر پرسشنامه، با استفاده از آمارها و اسناد رسمی و مراجعه حضوری در مکان می باشد. پرسشنامه ها بر اساس طیف لیکرت (۱-۵) تدوین شده است. جامعه آماری پژوهش را ساکنان

مسکن مهر شهر رشت واقع در بلوار لاکان تشکیل می دهند. نمونه ها از بین ۶۸۰۰ ساکن مجموعه به وسیله فرمول کوکران محاسبه که از این میان ۳۶۴ نفر انتخاب شدند و پرسش نامه ها به صورت تصادفی بین ساکنین توزیع شد. پایایی آن با استفاده از تحلیل عاملی مورد تایید و از طریق ضریب آلفای کرونباخ به میزان ۰/۷۴۶ مورد تایید قرار گرفت. پاسخ های دریافتی و روابط بین متغیرها با استفاده از آزمون های آماری فریدمن و ضریب همبستگی پیرسون در نرم افزار SPSS۲۲ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

۴- نقش فضاهای باز مجتمع های مسکونی

فضاهای باز مجتمع های مسکونی به عنوان پیچیده ترین و اساسی ترین عملکرد در عرصه معماری دو قرن اخیر به حساب آمده (ذبیحی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۳۶) و می توانند تأثیرات بسیار زیادی بر رفتار ساکنین و روابط آنها داشته باشند. این مجتمع ها ترکیب فضاهای باز و بسته متعددی هستند که به هم مرتبط بوده و این فضاها به عنوان بخش جدایی ناپذیر مجتمع های مسکونی، هم از نظر روابط اجتماعی و هم از نظر ساختار و منظر شهری حائز اهمیت هستند (Marcus & Sarkissian, 2007, 49-52). بیدالف (۲۰۰۷، ۴۹-۵۲) گونه شناسی خاصی از مجموعه های مسکونی را براساس همنشینی فضاهای باز و بسته ارائه کرده است. به اعتقاد بنتلی (۱۳۸۶) فضاهای باز میان بلوک ها که به آن محیط بیرونی گفته می شود، می تواند کیفیت زندگی و رضایتمندی ساکنان راتحت تأثیر قرار دهد و در نتیجه از طریق محیط به نیاز های متفاوت فیزیولوژیکی و روانشناختی کاربران پاسخ دهد. فارغ از محل قرارگیری بنا، عملکرد فضای باز علاوه بر مسایل محیطی همچون دسترسی به نور خورشید و تهویه طبیعی، واجد کیفیات فرهنگی و اجتماعی نیز هست و باز باعث تقویت روابط اجتماعی در مقیاس همسایگی می شود (نوذری، ۱۳۸۳، ۴۵-۴۶). دوستی و تعامل با همسایگان تأثیر به سزایی در انطباق و پذیرش خانه جدید در ساکنین (Tzonis, 2006: 24) و در بهبود سلامت فیزیکی روحی ساکنین مؤثر است. مسیرها، فضاهای عمومی ارتباطی، معابر و پیاده روها، فضاهای سبز، فضاهای رابط بین پیاده و سواره و ساختمان هایی که بدنه فضای باز را محصور می کنند، تصویری کالبدی و عینی است که مخاطبان قدرت نسبتاً یکسانی برای فهم آن دارند.

علاوه بر ویژگی های کالبدی فضای باز، انسان عنصری مهم و تعیین کننده در این فضا بوده که نقش اساسی در کیفیت مکان ایجاد می کند. چنین مجموعه هایی موجب ایجاد انگیزه جهت فعالیت های جمعی انسان ها می شود و در عین حال ساکنین بر زندگی فردی خود به بهترین نحو کنترل خواهند داشت. بنابراین نوعی تعادل بین زندگی خصوصی و اجتماعی انسان ها برقرار می شود (Scotthanson, 2005) (بزدانی و تیموری، ۱۳۹۲: ۸۴). فضاهای باز هنگامی بهترین کارایی را داشته که توسط کاربران مختلف، شامل کودکان، نوجوانان، و افراد مسن مورد استفاده قرار گیرند؛ امکان انواع فعالیت ها در آن فراهم باشد؛ به مردم این امکان را بدهند که در استفاده از محیط، احساس ایمنی و امنیت کنند؛ فضای راحتی را فراهم کنند (نظیر آنچه با محل نشستن کافی و راحت، دسترسی به نور خورشید، حفاظت در مقابل باد، باران و دیگر عناصر اقلیمی فراهم می شود) به صورت همگانی در دسترس باشند؛ با مشارکت مردم اداره شوند و مورد احترام افرادی که از آن استفاده می کنند، در آن زندگی می کنند یا در حوالی آن کار می کنند، قرار داشته باشند (فرانسیس، ۲۰۰۳، ۳۰-۳۳). ایجاد محیطی که موجبات تشویق و جذب به پیاده روی توأم با حس امنیت را فراهم کند، در نتیجه باعث افزایش حضور افراد می شود و همین نیروی مردمی برای امنیت خود مردم، بسیار قوی عمل کرده، کیفیت زندگی در آن محیط را نیز افزایش می دهد (ایزدی و حقی، ۱۳۹۴: ۸). از نظر جان لنگ فضای باز خصوصی روابط همسایگی را رشد می دهد و روابط اجتماعی محلی موقعیت مناسبی را جهت اجتماعی شدن کودکان فراهم می کند (Porteous, 1977 Cited in). در نتیجه توجه به فضای باز به عنوان محلی جهت برقراری روابط اجتماعی و در پی آن افزایش حضور مردم و در نتیجه امنیت اجتماعی ضروری است.

۵- حس امنیت

معنای لغوی امنیت احساس آرامش و اطمینان خاطر است در فرهنگ معین امنیت با معانی ایمن شدن، در امان بودن و بی بیمی آمده است (معین، ۱۳۸۴: ۱۴۰). در تعریفی دیگر امنیت مجموعه شرایطی است که موجب ثبات و آرامش خاطر در جامعه می گردد (بیات، ۱۳۸۷: ۲). امنیت از نیازها و انگیزه های اساسی انسان به شمار می رود. ماسلو امنیت را بعد از نیازهای اساسی فیزیولوژیکی قرار داده است. ماسلو و لنگ معتقدند که اگر این نیاز برآورده نشود، می تواند مانع پیشرفت انسان به سمت نیازهای پیچیده تر شود (Maslow, 1996) (Lang, 2009). اگرچه موضوع امنیت از اهمیت بالایی برخوردار است اما احساس امنیت مهم تر از برقراری امنیت بوده زیرا ممکن است در جامعه ای امنیت از لحاظ انتظامی وجود داشته باشد، اما فرد احساس امنیت نکند زیرا یک پدیده ادراکی و احساسی می باشد (فتوحی اردکانی و یزدان پناه، ۱۳۹۸: ۲۴-۲۵). امنیت در فضاهای شهری و مسکونی در ابعاد عینی (موقعیت ایمن) و ذهنی (احساس امنیت) شکل می گیرد (ماندگاری و دهقان، ۲۰۱۰: ۵۳). احساس امنیت پدیده ای روانشناختی- اجتماعی است که دارای ابعاد گوناگون می باشد. اختلال در احساس امنیت عینی و ذهنی در جامعه، از یک سو هزینه تعامل اجتماعی را افزایش داده و از سوی دیگر با ایجاد اختلال در اعتماد اجتماعی و بروز بی تفاوتی فردی و اجتماعی، انسجام و یگانگی اجتماعی را مورد تهدید قرار می دهد (حسنوند و حسنوند، ۱۳۹۰).

مشخصه های فردی در ادراک از امنیت و میزان استفاده فرد از یک فضای شهری تأثیر دارند، مثل موقعیت اجتماعی، شخصیت، نقش ها (سن و طبقه اجتماعی، پشتوانه خانوادگی، دانشجو بودن و یا کارگر بودن و ...) و این مسائل در تعیین راحتی این افراد و همچنین در میزان درکی که از آسیب پذیری یک مکان دارند، تأثیرگذار است (Howard, 1999). امنیت با جذب جمعیت و ایجاد جذابیت در فضاهای باز ارتباط مستقیم دارد. مردم به میزان امنیتی که از یک محیط احساس می کنند، تمایل به حضور در یک فضا خواهند داشت. این فضا بایستی دارای ویژگی هایی باشد که تعداد زیادی از مردم با سنین مختلف را درگیر فعالیت های متنوعی از قبیل قدم زدن، نشستن، تماشا کردن و برقراری تعاملات اجتماعی کند، این خود احساس امن بودن فضا را القا می نماید (تکابنی، ۱۳۸۹). جان لنگ نیز در کتاب آفرینش نظریه معماری می گوید: مکان های اجتماعی مردمی آن هایی هستند که فضای راحت نشستن، نور خوب و ملاقات با افراد دیگر را امکان پذیر سازند (لنگ، ۱۳۹۰). در مدیریت فضاهای عمومی، کارولین و همکاران (۲۰۰۷) استدلال می کنند که مردم تمایل به ماندن طولانی در فضاهای عمومی که درجه ای از راحتی را دارا هستند، دارند (Jalaladdini & Oktay, 2011). مشکل عدم امنیت بسیاری از نقاط شهرها، گروه های جمعیتی بزهکار یا فقیر نیست بلکه آنها به عنوان یک نقطه شهری، از نظر فیزیکی قادر به اعمال امنیت و سرزندگی ناشی از آن نیستند (جیکوبز، ۱۳۸۶). این احساس از قرارگیری انسان در شرایط محیطی به مثابه نوعی «ادراک روانی» حاصل می شود که از یک ساختار شهری و فرهنگی خاص با ساختار فرهنگی- اجتماعی دیگر متمایز می شود. لذا شکل گیری احساس امنیت از لحاظ روان شناختی وابسته به شرایط محیطی و از سوی دیگر نوع برداشت و سطوح ادراکی است (منظرالحجه و همکاران، ۱۳۹۶: ۹۳).

۱-۵- مولفه های کالبدی و روانشناختی امنیت

در مطالعات و پژوهش های مرتبط با شهر، حوزه های شهری و بیان معیارهای کیفیت مطلوب شهری همواره امنیت به عنوان یکی از شاخص های مهم کیفیت زندگی شهری مورد توجه قرار گرفته و شامل شاخص هایی همچون رضایت و شادمانی است (رفعیان، ۲۰۱۲، ۳۶). این شاخص ها به طور مستقیم یا غیرمستقیم در نگرش و رفتار مردم در زندگی شهری تأثیر می گذارد (Shieh, 2007: 146). مواردی از جمله افزایش قابلیت نظارت و افزایش چشمان ناظر بر بافت، تعریف ورودی های شاخص در محله ها و حذف فضاهای غیر قابل رؤیت و پنهان می تواند در افزایش احساس امنیت شهروندان تأثیر مطلوبی بگذارد (شعبان جولای و زندیه، ۱۳۹۴: ۹۳).

با مطالعاتی که توسط لارنس (۱۹۸۷)، الکساندر (۱۹۷۷)، لانگ (۱۹۸۷) مارکوس و سارکسیان (۱۹۸۶)، به همراه بنیاد وستو-شلیپا (۱۹۸۸) در میان دیگران صورت گرفت، دریافتند که رضایت ساکنین از یک محیط ساخته شده به جنبه های جسمی، روانی، ادراکی، اجتماعی و اقتصادی بستگی دارد (Untermann & Small, 1977: 227). ایده اصلی نیومن در ارتباط با فضاهای قابل دفاع به وسیله چهار عامل مهم تعریف می شوند: قلمروبندی، نظارت، بهبود کیفیت فضا و مجاورت کاربری مسکونی با دیگر امکانات مورد نیاز مردم (Colquhoun, 2004). تامین خلوت و کنترل قلمرو مکانی در طراحی محیط اهمیت ویژه ای دارد، زیرا بعضی از نیاز های اساسی انسان از قبیل هویت، انگیزش و امنیت از این طریق قابل ارضا هستند (عینی فر، ۱۳۸۸، ۱۷۰). به عقیده آلتمن (۱۹۷۵، ۲۲) خلوت نظارت انتخابی بر فرد، گروه یا دیگران است. ویژگی مشترک تعریف خلوت، توانایی کنترل افراد یا گروه ها بر تعامل دیداری، شنیداری و بویایی با دیگران است. با توجه به الگوی مشارکت اجتماعی، فرض بر این است که مشارکت فزاینده، احساس اجتماع و انسجام اجتماعی در یک محله باعث ترس از جرم می شود (Okunola & Amole, 2012). قلمروپایی ساز و کاری است برای تنظیم حریم بین خود و دیگران، همچنین راهبردی در جهت فراهم آوردن خلوت است. قلمرو گرایی تعارض را کاهش می دهد و در تنظیم تعاملات اجتماعی مؤثر است (غلامعلی زاده، شعبانی، ۱۳۹۴).

جدول ۱: تعاریف نظریه پردازان از مولفه های مؤثر بر ایجاد امنیت در فضاهای باز شهری (ماخذ: نگارندگان، ۱۴۰۰)

مؤلفه های روان شناختی - ادراکی	مؤلفه های کالبدی-محیطی	مؤلفه های فضای باز شهری	آلتمن (۱۹۷۵)	خلوت	توانایی کنترل افراد یا گروه ها بر تعامل دیداری، شنیداری و بویایی با دیگران
			نیومن (۱۹۷۳)	کنترل قلمرو مکانی	قلمروبندی و ایجاد حس مالکیت در ساکنین
			تعلق	ایجاد سلسله مراتب خصوصی و عمومی	
			مشارکت اجتماعی	ترس از جرم با مشارکت فزاینده، احساس اجتماع و انسجام اجتماعی در یک محله	
			راپاپورت (۱۹۷۷)	تعاملات اجتماعی	خلوت: توانایی کنترل تعامل اجتماعی، حق انتخاب و امکان تعامل اجتماعی دلخواه فرد
			حضورپذیری		
			نظارت	چشمان ناظر بر خیابان و حذف نقاط غیر قابل رویت	
			جیکوبز (۱۹۶۱)		
			هون (۲۰۰۳)	نور و روشنایی	-
			آنجل	دسترسی	کاهش یا افزایش قابلیت دسترسی
			بیلر (۲۰۱۱)	خوانایی محیط	تنوع مکان های نشستن و تزیینات بصری و دسترسی های و علائم از شاخص های سنجش امنیت می باشند
			میلمان شهری		
			جیکوبز (۱۹۶۱)	کاربری	تنوع کاربری و اختلاط آن ها

برآورد نیازهای انسان با حضور وی در فضا مطرح می شود که در آن فضا امنیت، آسایش، ایمنی و خوشایندی مدنظر بوده و نیاز به تجهیزات و تأسیساتی دارد که بتواند امکان حضور افراد را فراهم آورد (حبیبی، ۱۳۸۷، ۲۱). بنابر اعتقاد نیومن، امنیت سایت را از طریق ایجاد سلسله مراتب در فضا می توان ایجاد نمود، به گونه ای که فضاهای عمومی، نیمه عمومی، نیمه خصوصی و خصوصی مشخص شده و معین گردد چه کسی مجاز است در کدام فضا باشد. تقسیمات فرعی در صورتی که فضاهای تعریف شده مناسبی در خصوص راه های دسترسی و خدمات جانبی و ورودی ایجاد کند، بازدارنده طبیعی خوبی در مقابل اعمال خلاف می گردند. عملکرد مناسب این مکانیسم، موجب افزایش احساس مسئولیت و مراقبت ساکنین از محیط زندگی شان می شود نظارت زمانی می تواند به شکل مطلوب انجام پذیرد که محل تحت نظارت در حیطه فعالیت و مسئولیت افراد شناخته شود. در بالاترین حالت یعنی زمانی که ساکنان منطقه تحت نظارت را در مالکیت خویش احساس کنند، محافظت به طور کامل صورت می پذیرد. در شرایطی که محیط فاقد فضای تقسیم شده باشد، باید تعداد راه های دسترسی محدود باشد تا به لحاظ امنیتی، جمعیت بسیاری از آن عبور کند. امکان نظارت کافی وجود داشته باشد. این راه ها باید به نحوی طراحی گردند که قبل از عبور قابل رویت باشند (طالبی، ۱۳۷۶، ۱۷۸). در اثر فعالیت های افرادی چون جین جیکوبز (۱۹۶۱) با «کتاب حیات و مرگ شهرهای بزرگ آمریکا، اسکلو آنجل با کتاب «پیشگیری از جرم از طریق طراحی شهری» الیزابت وود با کتاب «جنبه های اجتماعی خانه سازی در توسعه شهری» و کتاب سی.ری جفری با کتاب «پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی» و کتاب اسکالر نیومن با نام «فضای قابل دفاع» روابط میان محیط و جرم بیشتر مورد شناخت و توجه قرار گرفت (آذرمی و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۶).

۲-۵- رویکرد CPTED

یکی از رویکردهای جدید در حوزه امنیت شهری، رویکرد امنیت از طریق طراحی محیطی (CPTED) می باشد (Gronland, 2000). بر طبق تعریف سازمان برنامه ریزی شهر و روستا (۲۰۱۲) CPTED شامل اصول طراحی ای می شود که می تواند بر رفتار انسان ها در درگیر شدن با موضوع جرم تأثیر بگذارد، و همچنین احساس امنیت را افزایش دهد. از این رو این نظریه می تواند در افزایش کیفیت زندگی نیز مؤثر باشد (Khalizah, Othman, Hanisah, & Hashim, 2016). مهم ترین مؤلفه های کالبدی مؤثر بر ایجاد و ارتقاء امنیت در فضاهای شهری بر اساس پژوهش های صورت گرفته در این زمینه شامل؛ نظارت، کاربری، میلمان شهری (Clarke & Newman (Eck, 2003) (beeler, 2011) (Jongejan & Woldendrop, 2013)، نور و روشنایی (Hoon, 2003) آسایش، خوانائی و کیفیت بصری (Newman (Eck, 2003) (Beeler, 2011) (Trancik (1986), Beeler (2011)، ایمنی (Jacobs, 1961) (Clarke & Eck, 2003) (Beeler, 2011) می باشد.

جدول ۲: پیشینه رویکرد CPTED (ماخذ: نگارندگان، ۱۴۰۰)

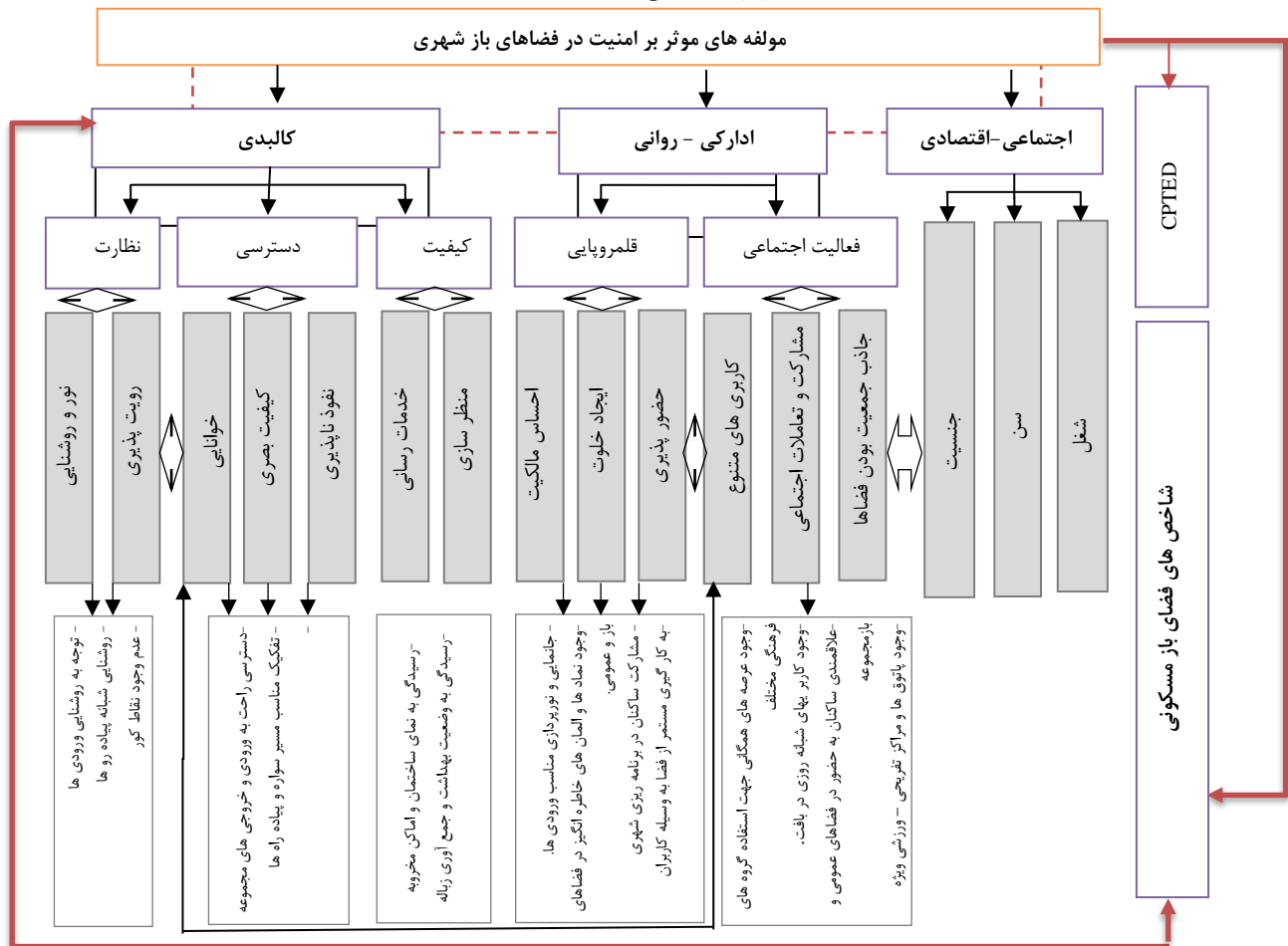
نظریه پرداز	عنوان کتاب	نظریه
الیزابت وود	جنبه های اجتماعی خانه سازی در توسعه شهر	
جکوبز (۱۹۶۱)	مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی	- مرزبندی روشن بین فضای عمومی و خصوصی - چشم های ناظر بر خیابان - استفاده مداوم از پیاده روها
جفری (۱۹۷۱)	پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی	- کاهش وقوع جرم از طریق حذف تقویت کننده های آن - دسترسی کنترل شده و سفر کردن از طریق نظارت
نیومن (۱۹۷۲)	فضای قابل دفاع: مردم و طراحی در شهرهای جرم خیز	- نظارت و قلمروبندی - مجاورت کاربری - افزایش سطح جذابیت محیط

نسل اول رویکرد CPTED از طریق ایجاد تغییرات در محیط به موقعیت کاهش فرصت های جرم و در نهایت ایجاد امنیت نایل می شود اما نسل دوم تمرکز بر ابعاد فیزیکی در پیشگیری از جرم را ناکافی دانسته و ایده های خود را بر پایه نظریه چشم های ناظر بر خیابان جیکوبز شکل می دهد. استفاده از ناظران حاضر در محله درحقیقت آن چیزی است که حس اجتماعی ایجاد می کند (Cleveland & Saville, 2003, 4-6). لذا، میتوان اصل اساسی نسل اول را قلمروبندی و ایده اصلی نسل دوم را همبستگی اجتماعی دانست (MetLife Foundation, 2008).

۱-۲-۵- اصول رویکرد CPTED

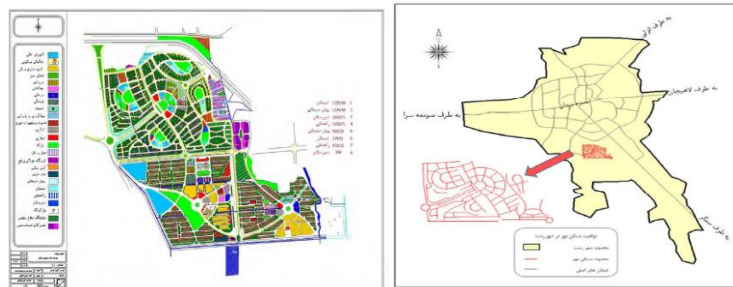
قلمروبندی، نظارت طبیعی، حمایت از فعالیت های اجتماعی، بهبود کیفیت محیطی، کنترل دسترسی، خوانایی محیط/ مدیریت و نگهداری. قلمرو مفهومی ست که فضاهای خصوصی را از فضاهای عمومی جدا می کند و براساس احساس مالکیت خصوصی شکل می گیرد که ازین طریق حضور بیگانگان و مزاحمان برای ساکنان با اهمیت می شود (Gronland, 2000) (نورانی، ۱۳۹۸: ۷۰۰). به عبارت ساده تر افراد مزاحم و مجرمان این حق را به خود نمی دهند که به حوزه قلمرو فرد دیگری وارد شوند. نظارت طبیعی به معنای در معرض دید قرارگرفتن از طریق محیط کالبدی است که امکان نظارت بر مناطق شهری را به وسیله شهروندان یا ارگان های انتظامی فراهم می کند. بر این اساس این امکان فراهم می شود که از ایجاد مناطق غیرقابل دید و کور جلوگیری به عمل آورده می شود (Landsman, 2000). حال با توجه به مطالبی که در رابطه با شاخص های فضای باز و مولفه های موثر بر امنیت و اصول رویکرد CPTED مطرح شد به تبیین چابوب محتوایی تحقیق می پردازیم.

نمودار ۱: چابوب محتوایی تحقیق (ماخذ، نگارندگان)



۶- مجموعه مسکونی مهر رشت

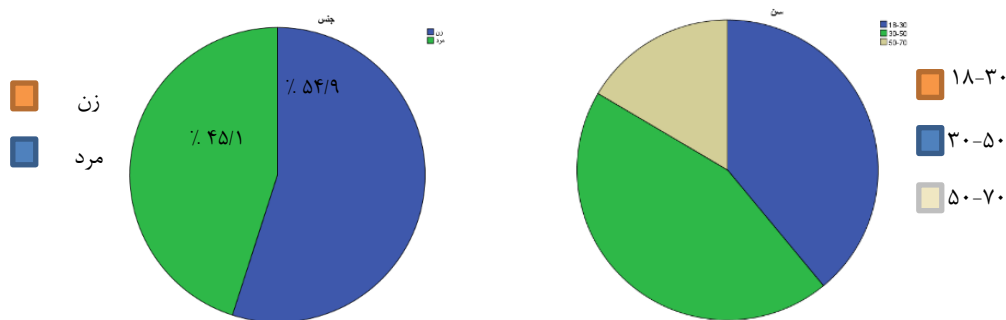
پروژه مسکن مهر در شهر رشت، در محدوده اراضی جنوب شهر و به وسعت اولیه ۴۱۹ هکتار و وسعت ۴۴۲ هکتار در فاز دوم، طراحی و در حال اجرا می باشد. این مجموعه شامل بلوک های مسکونی، کاربری آموزشی، مذهبی، فرهنگی، اداری، انتظامی، درمانی، تجاری، پذیرایی (جهانگردی)، ورزشی و فضای سبز می باشد. در مجموع ۱۸۰۰۰ واحد مسکونی ساخته شده که تا کنون ۷۱۰۰ واحد مسکونی به اتمام رسیده و خانوار ها در آن ساکن شده اند. ۶۸۰۰ خانوار در این مجموعه ساکن می باشند.



شکل ۱: نقشه شهر رشت و جانمایی مسکن مهر (ماخذ: نگارنده)

۷- تجزیه و تحلیل یافته ها

در این قسمت به ارائه یافته های توصیفی حاصل از پرسشنامه پرداخته می شود. به عبارت دیگر، این یافته ها بیانگر ویژگی های جمعیت شناختی و خصوصیات اقتصادی- اجتماعی نمونه آماری پژوهش می باشد. این قسمت بر اساس شناسایی وضعیت جامعه آماری (N=6800) تنظیم شده و نتایج این قسمت بر اساس در صدف میانگین و فراوانی آمده است. جامعه آماری مورد مطالعه را ساکنان مسکن مهر رشت تشکیل می دهند. به منظور سنجش مدل نظری، نمونه ای معادل (n=364) نفر انتخاب شده و پرسشنامه ها توسط آنها تکمیل شدند. بر اساس اطلاعات جمع آوری شده از نمونه ها، ۵۴/۹ درصد پاسخگویان را زنان و ۴۵/۱ درصد را مردان تشکیل می دهند. از نظر توزیع سنی، ۳۹ درصد در رده سنی ۱۸ تا ۳۰ سال، ۴۴/۵ درصد در رده سنی ۳۰ تا ۵۰ سال و ۱۶/۵ درصد در رده سنی ۵۰ تا ۷۰ سال قرار دارند.



نمودار ۲: نسبت سن پاسخگویان در جامعه نمونه (ماخذ: نگارندگان) نمودار ۳: نسبت زنان و مردان در جامعه نمونه (ماخذ: نگارندگان)

کل جامعه نمونه وضعیت اشتغال خود را اعلام کردند که از این میان ۲۸ در خانه دار، ۱۵/۴ درصد کارمند، ۳۱/۳ درصد دارای شغل آزاد، ۱۴/۳ درصد محصل و ۱۱ درصد بازنشسته می باشند. از نظر تحصیلات ۱۲/۶ درصد سیکل و پایین تر، ۵۴/۴ دیپلم، ۲۷/۵ درصد لیسانس و ۵/۵ درصد فوق لیسانس و بالاتر می باشند. جهت بررسی پایایی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. میزان آلفای کرونباخ ۰/۷۴۶ می باشد که بالای ۰/۷ بوده و نشان دهنده پایایی پرسشنامه است. جداول (۳، ۴، ۵، ۶، ۷) توزیع پاسخگویان بر اساس ویژگی های فضاهای باز مربوط به متغیر های امنیت و رویکرد CPTED که شامل زیر متغیر های کالبدی (دسترسی، نظارت، کیفیت محیطی) و ادراکی- روانی (قلمروپایی، و فعالیت های اجتماعی) می شوند را نشان می دهد.

جدول ۳: توزیع پاسخگویان بر اساس متغیر کالبدی امنیت (کنترل و دسترسی) (ماخذ: نگارندگان، ۱۴۰۰)

فراوانی (درصد)						کنترل و دسترسی
درصد	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	
۱۰۰	۷/۱	۱۵/۹	۲۵/۳	۲۹/۱	۲۲/۵	میزان تفکیک مسیر سواره و پیاده
۱۰۰	۰	۵/۸	۵۴/۴	۳۲/۱	۷/۷	میزان قابل رویت و در دسترس بودن کاربری های عمومی
۱۰۰	۰	۱۲/۱	۴۰/۴	۲۸	۱۹/۵	کنترل و دسترسی ورودی ها و خروجی های مجموعه
۱۰۰	۴/۴	۲۳/۴	۴۷/۸	۲۲	۲/۵	میزان دسترسی به فضاهای باز توسط پیاده راه ها
۱۰۰	۴/۴	۲۲	۴۰/۹	۳۰/۲	۲/۵	میزان سهولت دسترسی به وسایل نقلیه عمومی

باتوجه به پاسخ های داده شده در جدول ۳، تفکیک معابر پیاده و سواره از مطلوبیت کمی برخوردار بوده و شاهد اختلاط مسیر عابران پیاده و سواره ها می باشیم. رضایت از خوانایی ورودی ها و دسترسی ها و رویت پذیری کاربری های عمومی طبق نظر پاسخ دهندگان متوسط می باشد. در نتیجه بایستی سلسله مراتب فضایی

از خصوصی تا عمومی برای کاربران هر یک از عرصه ها مشخص و محدود شود. تعدد دسترسی به فضاهای فرعی و نفوذپذیری بالای فضاها نیز زمینه ارتکاب جرم و از بین بردن امنیت را فراهم می کند.

جدول ۴: توزیع پاسخگویان بر اساس متغیر کالبدی امنیت (نظارت طبیعی) (ماخذ: نگارندگان، ۱۴۰۰)

فراوانی (درصد)						نظارت
درصد	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	
۱۰۰	۰	۱۳/۵	۱۶/۸	۳۱/۹	۳۷/۹	مناسب بودن روشنایی شبانه پیاده راه ها
۱۰۰	۰	۱۴/۳	۳۳	۳۲/۴	۲۰/۳	نورپردازی و روشنایی ورودی های مجموعه و بلوک ها
۱۰۰	۰	۹/۱	۴۵/۱	۲۰/۱	۲۵/۸	امنیت مسیرهای پیاده در ساعات خلوت
۱۰۰	۰	۰	۳۴/۹	۴۹/۷	۱۵/۴	نظارت به وسیله دوربین های مدار بسته
۱۰۰	۰	۴۱/۲	۴۷/۵	۸	۳/۳	رویت پذیری (میزان نقاط کور و غیر قابل دید)

باتوجه به پاسخ های داده شده در جدول ۴، به علت مناسب نبودن روشنایی شبانه و نظارت نا مناسب و نامطلوب توسط دوربین های مدار بسته، حضور افراد در فضاهای باز مقطعی می باشد در واقع میزان رضایت از امنیت شبانه کم می باشد.

جدول ۵: توزیع پاسخگویان بر اساس متغیر کالبدی امنیت (کیفیت محیطی) (ماخذ: نگارندگان، ۱۴۰۰)

فراوانی (درصد)						کیفیت محیطی
درصد	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	
۱۰۰	۱۵/۴	۲۴/۲	۴۰/۴	۱۲/۶	۷/۴	میزان اماکن متروک و مخروبه
۱۰۰	۲۷/۵	۳۲/۴	۴/۴	۱۱/۳	۲۴/۵	میزان خدمات رسانی (جمع آوری زباله، بهداشت و ...)

یافته های بدست آمده از جدول ۵ در رابطه با تاثیر کیفیت محیطی بر ایجاد امنیت نشان می دهد، میزان اماکن مخروبه و متروک در حد متوسطی بوده، در نتیجه وجود فضاهای تاریک و دنج و بدون دید موجب افزایش فرصت هایی جهت بزهکاری و تشدید عدم امنیت می شود.

جدول ۶: توزیع پاسخگویان بر اساس متغیر ادراکی امنیت (قلمروپایی) (ماخذ: نگارندگان، ۱۴۰۰)

فراوانی (درصد)						قلمروپایی
درصد	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	
۱۰۰	۴/۴	۴۱/۵	۴۶/۴	۴/۴	۳/۳	علاقتمندی ساکنان به حضور در فضاهای عمومی و بازمجموعه
۱۰۰	۱۷	۴۲/۳	۳۴/۹	۵/۸	۰	میزان تاثیر المان های خاطره انگیز بر حس تعلق
۱۰۰	۷/۷	۴۰/۹	۴۴/۸	۶/۶	۰	عدم وجود مرزهای خصوصی و عمومی مشخص
۱۰۰	۱۴/۸	۰	۴۰/۷	۳۷/۹	۶/۶	رضایت از نوع مصالح نما در ایجاد حس مالکیت

مردم با احساس مالکیت که نسبت به املاک و حریم شخصی خود دارند، از آن محافظت می کنند (البته نسبت به حریم مالکیت دیگران نیز احترام قائل اند). از عواملی که موجب ایجاد حس مالکیت می شود افزایش حس تعلق نسبت به محل زندگی و رضایت از نما و کنترل خلوت و ازدحام می باشد.

جدول ۷: توزیع پاسخگویان بر اساس متغیر ادراکی امنیت (فعالیت اجتماعی) (ماخذ: نگارندگان، ۱۴۰۰)

فراوانی (درصد)						فعالیت های اجتماعی
درصد	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	
۱۰۰	۷/۷	۱۴/۳	۲۷/۲	۳۹/۳	۱۱/۵	میزان تاثیر حضور افراد دیگر در فضاهای باز بر جذب جمعیت
۱۰۰	۷/۷	۶	۳۵/۷	۴۱/۸	۸/۸	وجود کاربری های شبانه روزی در بافت
۱۰۰	۱۹/۸	۳۰/۸	۲۱/۷	۱۵/۴	۱۲/۴	تاثیر فضاهای باز بر مشارکت و ارتباط با همسایگان
۱۰۰	۲/۷	۴۲/۳	۴۲/۴	۲/۵	۹/۱	وجود کاربری های متنوع و فعال در افزایش جذب جمعیت
۱۰۰	۱۸/۷	۱۳/۲	۲۴/۲	۲۱/۲	۲۲/۸	وجود مبلمان مناسب فضاهای باز بر حضورپذیری

یکی از عوامل مهم و تاثیر گذار بر ایجاد حس امنیت در فضاهای باز مجموعه های مسکونی وجود کاربری های شبانه روزی در بدنه مجموعه بوده که موجب حضور افراد در ساعات خلوت می شود در نتیجه با توجه به نتایج حاصل از جدول (۷) میزان این کاربری ها در سطح نامطلوب و کمی می باشد. هم چنین ساکنین از وجود کاربری های متنوع در سطح مجموعه در حد متوسطی رضایت داشته و همین امر موجب جذب افراد به فضاهای باز مجموعه می شود. جهت کمی سازی مولفه های ادراکی و کالبدی امنیت از روش مقیاس سازی استفاده شده است. برای محاسبه نمره کلی، از میانگین ساده نمرات مولفه ها استفاده شده و با میانگین نظری (عدد ۳) مقایسه شد. مطابق جدول (۸) نتایج حاصل شده بیانگر این است که میانگین شاخص کنترل و دسترسی برابر ۳، نظارت ۲/۷۷، کیفیت محیطی ۳/۲۸، قلمروپایی ۳/۴۸ و شاخص فعالیت های اجتماعی برابر با ۳/۰۵ می باشد.

جدول ۸: میزان وجود مولفه های ادراکی و کالبدی امنیت فضای باز مسکن مهر رشت (ماخذ: نگارندگان، ۱۴۰۰)

میزان تاثیر مولفه ها بر اساس (میان=۳)	خطای استاندارد	انحراف معیار	میانگین مولفه در مسکن مهر رشت ۵ < میانگین < ۱	مولفه ها
نسبتا مناسب	۰/۲۸۹	۰/۵۳۷	۳	دسترسی
نامناسب	۰/۳۴۱	۰/۵۸۳	۲/۷۷	نظارت
مناسب	۰/۶۰۸	۰/۷۷۹	۳/۲۸	کیفیت محیطی
مناسب	۰/۴۵۴	۰/۶۷۳	۳/۴۸	قلمروپایی
نسبتا مناسب	۰/۳۱۴	۰/۵۶۰	۳/۰۵	فعالیت های اجتماعی

در نتیجه طبق جدول (۸) از میان عوامل کالبدی (نظارت) و (کنترل و دسترسی) کمترین میزان رضایت و (کیفیت محیطی) و (قلمروپایی) و (فعالیت های اجتماعی) بیشترین میزان رضایت ساکنین را از احساس امنیت دارد، که باتوجه به این یافته ها می توان به این نتیجه رسید که میزان رضایت ساکنین به طور نسبی پایین است. در نهایت جهت بررسی درستی یا نادرستی فرضیه تحقیق و برآورد ارتباط میان متغیر ها و با توجه به اینکه توزیع فراوانی داده ها نرمال نبوده، با توجه به الویت بندی نسبی متغیرها از آزمون نا پارامتریک فریدمن و آزمون همبستگی اسپیرمن استفاده شده است.

جدول ۹: آزمون فریدمن جهت بررسی میزان تاثیر عوامل کالبدی و ادراکی فضاهای باز بر امنیت مسکن مهر رشت (ماخذ: نگارندگان، ۱۴۰۰)

ردیف	مولفه ها	میانگین رتبه ای فریدمن	میزان تأثیر عوامل (رتبه)	آزادی درجه	ضریبمعناداری
۱	دسترسی	۲/۳۵	۲	۴	*./۰۰۰
۲	نظارت	۱/۸۷	۱		
۳	کیفیت محیطی	۳/۴۵	۴		
۴	قلمروپایی	۴/۱۵	۵		
۵	فعالیت های اجتماعی	۲/۸۶	۳		

سطح معناداری تا ۹۵٪ (*) عدم معناداری (NS)

جدول (۹) اولویت بندی مولفه های مرتبط با فضای باز و امنیت را نشان می دهد. نتایج حاصل از آزمون فریدمن نشان می دهد که مقدار کای دو برابر با $608/788$ ، درجه آزادی ۴ و میزان سطح معنادار ($sig = 0/000 < 0/05$) می باشد، در نتیجه فرض H_0 مبتنی بر یکسان بودن الویت ها بر احساس امنیت رد شده و فرض H_1 اثبات می شود. یعنی تاثیر این عوامل بر احساس امنیت در ساکنان مسکن مهر رشت متفاوت می باشد. اهمیت رتبه مولفه های مطرح شده در رابطه با امنیت با یکدیگر متفاوت می باشد. مقیاس میانگین رتبه ها نشان می دهد که قلمروپایی با میانگین (۴/۱۵) در اولویت اول، و نظارت با میانگین (۱/۸۷) از اولویت آخر در ایجاد احساس امنیت در مجموعه مسکن مهر برخوردار است. این آزمون نشان می دهد که در سطح معناداری، تفاوت معناداری بین میانگین رتبه هر یک از مولفه های مربوط به پژوهش وجود دارد.

۱-۷- تحلیل آماری رابطه همبستگی بین متغیر ها

در این قسمت به چگونگی رابطه میان متغیر های مستقل با متغیر وابسته پرداخته می شود. بر اساس نتایج این آزمون توزیع داده ها نرمال نبوده در نتیجه برای بررسی همبستگی این آده ها از آزمون ناپارامتریک اسپیرمن استفاده شده است. با توجه به جدول (۱۰) مشاهده می شود که تمامی متغیر های مستقل با متغیر وابسته احساس امنیت همبستگی دارد و همگی در سطح $\alpha = 0/01$ معنادار می باشند.

جدول ۱۰: آزمون همبستگی اسپیرمن جهت بررسی ارتباط مولفه های کالبدی و ادراکی فضاهای باز با احساس امنیت (ماخذ: نگارندگان، ۱۴۰۰)

مولفه اصلی	آماره های آزمون اسپیرمن	کالبدی	ادراکی-روانی
احساس امنیت ساکنین	میزان همبستگی متغیر مستقل و وابسته	۰/۴۸۰	۰/۵۵۸
	سطح معناداری	*./۰۰۰	*./۰۰۰
	حجم کل نمونه	۳۶۴	۳۶۴

سطح معناداری تا ۹۵٪ (*) عدم معناداری (NS)

میزان همبستگی بین این دو متغیر مولفه های کالبدی فضای باز و امنیت در مجموعه مسکن مهر رشت برابر ۰/۴۸۰ است که همبستگی متوسط را نشان می دهد، در واقع این دو متغیر با یکدیگر تغییری در حد متوسط دارند. از طرفی دیگر این دو دارای رابطه مستقیمی با یکدیگر بوده، به همین خاطر هرگاه میزان نظارت دسترسی و کنترل و کیفیت محیطی افزایش یابد به طور متوسط امنیت ساکنین نیز افزایش می یابد. و هم چنین همبستگی متغیر ادراکی و امنیت برابر ۰/۵۵۸ می باشد و این بدان معنی است که هرگاه شاخص های قلمروپایی و فعالیت های اجتماع در مجموعه افزایش یابد امنیت نیز به طور متوسط افزایش می یابد. این همبستگی در سطح $\alpha = 0/01$ معنادار بوده و در نتیجه رابطه بین دو متغیر قابل تعمیم به جامعه آماری است.

بحث و نتیجه گیری

هدف از این پژوهش بررسی میزان تاثیر فضاهای باز از طریق رویکرد CPTED در مجموعه های مسکونی بر ایجاد حس امنیت ساکنان می باشد. با توجه به فرضیه تحقیق که مبتنی بر رابطه مستقیم میان عوامل کالبدی و ادراکی فضاهای باز و افزایش احساس امنیت در مجموعه های مسکونی می باشد و با توجه به نتایج به دست آمده از تحلیل پرسشنامه ها می توان نتیجه گرفت که عوامل (کالبدی) از قبیل نظارت به کمک روشنایی شبانه پیاده راه ها، کنترل دسترسی ها و بهبود

کیفیت محیطی و بصری و نمایانی و خوانایی فضاهای عمومی و عوامل (ادراکی-روانی) از قبیل ایجاد حس مالکیت و تعلق، مشارکت و فعالیت های اجتماعی در فضاهای باز مسکونی بر ارتقا امنیت ساکنان تاثیر گذارند. نتایج پژوهش نشان می دهد که امنیت در این مجموعه از سطح متوسطی برخوردار است و به طور میانگین ساکنان از امنیت مجموعه مسکن مهر رشت با توجه به مولفه های ادراکی- روانشناختی رضایت متوسط و از مولفه های کالبدی (روشنایی شبانه-رویت پذیری-کنترل ورودی ها-تفکیک مسیرها-کیفیت بصری-خدمات رسانی و...) رضایت کمی داشته اند. در نتیجه این موضوع، عوامل ادراکی مانند احساس مالکیت و قلمروپایی و تنوع در کاربری ها و مشارکت اجتماعی بر امنیت مجموعه تاثیر بیشتری داشته است.

جدول ۱۱: ارائه راهبرد و اقدامات اجرایی جهت افزایش امنیت از طریق عوامل ادراکی فضاهای باز مجموعه مسکن مهر رشت (ماخذ: نگارندگان، ۱۴۰۰)

هدف	راهبرد	سیاست	اقدامات
ارتقا عوامل ادراکی-روانشناختی فضاهای باز	قلمروپایی	القای حس مالکیت و خلوت	-ایجاد مرز هایی بین عرصه های خصوصی و عمومی -تقویت قلمرو فضایی از طریق محوطه سازی استفاده از المان ها و نشانه های خاطره انگیز
	حمایت از فعالیت های اجتماعی	فعالیت و کاربری زمین	-وجود مبلمان مناسب فضاهای باز بر حضورپذیری -جانمایی کاربری های جذاب و پرمخاطب جهت افزایش حضور افراد -جلوگیری از استقرار کاربری های درشت دانه و غیرفعال شبانه در جداره خیابان
افزایش امنیت	نظارت	مشارکت اجتماعی	مشارکت ساکنان در مدیریت و برنامه ریزی برای مجموعه- افزایش روابط اجتماعی بین همسایگان و تقویت حس همبستگی - ایجاد فضاهای اجتماعی متعدد برای دوره هم آبی و افزایش تعاملات ساکنین مجموعه های مسکونی نظیر پارک های محلی، فضاهای تفریحی و بازی کودکان و نوجوانان
		توجه به روشنایی و نورپردازی	-افزایش روشنایی شبانه پیاده رو ها و توجه به نورپردازی مناسب مسیرها -دوربین به عنوان یک ابزار، امکان نظارت دقیق تر را فراهم می نماید
	دسترسی و کنترل	رویت پذیری	-از بین بردن نقاط کور و غیر قابل دید و دسترسی مستقیم و ایجاد تداوم بصری -توجه به روشنایی ورودی ها -منظر سازی به وسیله معیار های افزایش دهنده دید و نظارت طبیعی
بهبود عوامل کالبدی فضاهای باز	دسترسی و کنترل	خوانایی و نفوذ ناپذیری	-ایجاد دسترسی راحت به ورودی و خروجی های مجموعه به کمک علائم و نورپردازی -تفکیک مناسب مسیر سواره و پیاده راه ها و الویت دادن به حرکت پیاده -استفاده از پوشش مناسب کف ها و جداره ها -استفاده از موانع مسدود کننده مانع نرده در فضاهای غیر قابل دفاع دسترسی به کاربری های خدماتی در سطح مجموعه
		کیفیت محیطی	خدمات رسانی و منظرسازی

با توجه به اینکه حضور افراد در فضاهای باز زمینه ساز افزایش حس امنیت در مجموعه می باشد، چنانچه فضای باز مسکونی پاسخگوی نیازهای فردی و اجتماعی ساکنان در سنین مختلف باشد، می توان بخش عمده ای از فعالیت های زندگی را از فضای داخلی به فضاهای باز مجموعه ها منتقل و کمبودهای زندگی در واحدهای مسکونی با مساحت کم را تا حدودی جبران نمود. بنابراین، نیاز به بازنگری و توجه ویژه به امنیت فضای باز مجتمع های مسکونی امروزی به عنوان حیاط مشترک و جمعی، در راستای افزایش کیفیت زندگی و ایجاد حس سرزندگی ضروری است که در نهایت به ارائه راه کار ها و پیشنهاد هایی جهت افزایش امنیت در فضاهای باز مجموعه های مسکونی پرداخته می شود.

منابع

۱. آذرمی، مهدی. علی آذر و اکبر عبدالله زاده طرف (۱۳۹۸)، بررسی نقش برنامه ریزی و طراحی محیطی در میزان امنیت شهری مناطق حاشیه نشین شهر تبریز، فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی، ۸(۳۲): ۵۴-۴۱.
۲. ایزدی، محمد سعید و محمدرضا حقی، (۱۳۹۴)، ارتقای احساس امنیت در فضاهای عمومی با بهره گیری از طراحی شهری (نمونه مطالعه: میدان امام شهر همدان)، نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، ۲۰(۲): ۱۲-۵.
۳. بنتلی، ای یین و دیگران (۱۳۸۶). محیط های پاسخده: کتاب راهنمای طراحان. ترجمه: مصطفی بهزادفر. تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.
۴. بیات، ب (۱۳۸۷)، پیشگیری از جرم با تکیه بر رویکرد اجتماع محور اداره کل مطالعات اجتماعی.
۵. پاکزاد، ج. (۱۳۸۶)، راهنمای طراحی فضاهای شهری. تهران: شهیدی.
۶. پورمحمدی، م. ر. د. (۱۳۹۱). تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها.
۷. تنکابنی، ب. (۱۳۸۹)، انطباق فضاهای زیستی با اصول توسعه پایدار شهری، پایان نامه کارشناسی ارشد، قزوین، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره).
۸. جلیلی، م. عینفرو، ع. و طلیسچی، غ. (۱۳۹۲)، فضای باز مجموعه های مسکونی و پاسخ دهی محیطی: مطالعه تطبیقی سه مجموعه مسکونی در شهر همدان، نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، ۱۸(۴)، ۵۷-۶۸.

۹. جیکوبز، ج. (۱۳۸۶). مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی. ترجمه: ح. پارسی و آ. افلاطونی. تهران: دانشگاه تهران.
۱۰. حبیبی، سید محسن (۱۳۸۷) حیات مدنی و حیات شهری، مجله هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، شماره هفتم، صص. ۲۱-۳۳.
۱۱. حسنونند، احسان، حسنونند، اسماعیل، (۱۳۹۰)، بررسی عوامل مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی جوانان (مطالعه موردی شهرستان سلسله)، فصلنامه نظم و امنیت انتظامی، شماره چهارم، سال چهارم، صص ۸۰-۵۹.
۱۲. حسینی، ف. (۱۳۸۷). بررسی و ارائه شاخص های کالبدی - کارکردی مؤثر بر ارتقاء امنیت فضاهای عمومی شهری؛ نمونه موردی: پارک دانشجو (پایان نامه کارشناسی ارشد شهرسازی). تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
۱۳. حسنونند، اسماعیل، و حسنونند، احسان. (۱۳۹۰)، بررسی عوامل مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی جوانان. فصلنامه نظم و امنیت اجتماعی، ۱۶: ۷۶-۵۷.
۱۴. دلال پور محمدی، محمد رضا، (۱۳۸۷)، برنامه ریزی مسکن، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها، تهران.
۱۵. دوستی، محمود سید محمود معینی و امید دژدار (۱۳۹۶)، تبیین الگوهای فضای باز در مجتمع های مسکونی براساس تئوری جدید شهری (کریستوفر الکساندر)، بر گرفته از پایان نامه ارشد نگارنده. همدان: دانشگاه آزاد.
۱۶. ذبیحی، حسین و تایماز لاریمیان و حمیده پورانی (۱۳۹۲)، ارائه مدل تحلیلی برای ارتقاء امنیت شهری از طریق رویکرد امنیت طراحی (SBD) مطالعه موردی: منطقه ۱۷ شهرداری قزوین، فصلنامه مطالعات و پژوهش های شهری و منطقه ای، سال پنجم، شماره ۱۷، ص: ۱۳۶.
۱۷. رحیمی، روح الله، مجتبی انصاری، محمدرضا بمانیان، محمدجواد مهدوی نژاد، (۱۳۹۹)، ارزیابی تأثیر مؤلفه های کالبدی بر حس دل بستگی به مکان در فضاهای جمعی مجتمع های مسکونی منتخب تهران، باغ نظر، ۱۷ (۸۳): ۳۰-۱۵.
۱۸. رزمجو، شمس، (۱۳۹۴)، نقش و اهمیت فضای باز در ارتقای کیفیت محیطی مجتمع های مسکونی (مطالعه موردی: مجتمع آزادی کرمانشاه)، همایش ملی معماری و شهرسازی بومی ایران، یزد.
۱۹. رضایی مقدم، علی و همکاران، (۱۳۹۱)، بررسی جایگاه طراحی در ایجاد حس امنیت در مجتمع های مسکونی، چهارمین کنفرانس برنامه ریزی و مدیریت شهری.
۲۰. رفیعیان، محسن؛ مویدی، محمد و حسن سلمانی. (۱۳۹۳)، سنجش احساس امنیت شهروندان با استفاده از مولفه های منظر شهری (نمونه موردی: محله اوین). مجله علوم جغرافیایی، شماره ۱۲: ۳۳-۵۹.
۲۱. شجاع، حامد و حسن سجاذاده، ۱۳۹۴، چگونگی استفاده از فضاهای باز در مجتمع های تجاری برای برقراری پایداری و تعامل اجتماعی، کنفرانس ملی مهندسی معماری، عمران و توسعه کالبدی، کوهدشت، شهرداری کوهدشت.
۲۲. شعبانی جفروودی، محبوبه و حمزه غلامعلی زاده، (۱۳۹۴)، ویژگی های کالبدی فضای باز مجتمع های مسکونی و احساس امنیت ساکنین، دومین کنفرانس بین المللی علوم رفتاری و مطالعات اجتماعی.
۲۳. شعبان جولا، الهه و مهدی زندیه، (۱۳۹۴)، ارزیابی نقش منظر شهر در تأمین امنیت شهروندان نمونه موردی: شهر قزوین، باغ نظر، ۱۲ (۳۲): ۱۰۲-۹۱.
۲۴. صفری، حسین و مهران خوشروی (۱۳۹۷)، سومین کنفرانس بین المللی یافته های نوین عمران معماری و صنعت ساختمان ایران.
۲۵. طالبی، زاله، (۱۳۷۶)، راهنمای طراحی معماری ساختمان های بلند مسکونی، تهران، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن.
۲۶. عظمتی، حمیدرضا؛ رضا پرویزی؛ سمیه پورباقر و حسنییه السادات مومنی زاده، (۱۳۹۶)، ارتقای سرزندگی در فضاهای باز مجتمع های مسکونی، با تاکید بر پیاده مداری، کنگره بین المللی علوم و مهندسی، آلمان، دبیرخانه دایمی کنگره، دانشگاه هامبورگ.
۲۷. غفوریان، میترا و الهام حساری، (۱۳۹۵)، بررسی عوامل و متغیرهای زمین های مؤثر بر رضایتمندی ساکنان از محیط مسکونی، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات شهری، ۱۸: ۱۰۰-۹۱.
۲۸. غیاثوند، ابولفضل و حسین ذبیحی (۱۳۹۵)، ارائه مدل تحلیلی به منظور پیشگیری از وقوع جرم (سرقت) از ساختمان های مسکونی با توجه به رویکرد پیشگیری از وقوع جرم از طریق طراحی (CPTED) (مطالعه موردی: منطقه ۱ شهرداری قزوین)، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۴۷، (۴)، ۹۴، ۱۳۹-۱۷۲.
۲۹. فتوحی اردکانی، فرزانه السادات و لیلیا یزدان پناه (۱۳۹۸)، واکاوی مفهومی و نظری امنیت و احساس امنیت، فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی، ۵ (۱): ۲۲-۳۲.
۳۰. قریشی، محمد بختیار و مهرداد یوسف زمانی، (۱۳۹۴)، تاثیر فضای سبز عمومی مجتمع های مسکونی بر ارتقاء امنیت و کیفیت زندگی اجتماعی کاربران آن نمونه موردی: (مسکن مهر بهاران ساندج)، اولین کنفرانس سالانه بین المللی عمران، معماری و شهرسازی.
۳۱. گلی، ع. (۱۳۹۰)، زنان و امنیت در فضاهای عمومی شهری (نمونه موردی: پارک آزادی شیراز). جامعه شناسی تاریخی، ۳ (۲)، ۱۶۴-۱۴۳.
۳۲. کارمونا، ا. و. ه. تنر، ت. و. تیسدل، ا. و. و. استیون. (۱۳۸۸). مکان های عمومی، فضاهای شهری (ت. ف. قرائی، م. شکوهی، ز. اهری، & ا. صالحی (Trans.)), تهران: دانشگاه هنر.
۳۳. کریمی نژاد، روح الله و دولت آبادی، فریبرز. (۱۳۹۶). ارتقاء کیفیت زندگی در مجتمع های مسکونی از طریق مدیریت مؤلفه های تأثیرگذار در امنیت اجتماعی (مطالعه موردی: مسکن مهر شهر گرگان). پنجمین کنفرانس ملی پژوهش های کاربردی مهندسی عمران، معماری و مدیریت شهری. تهران: دانشگاه خواجه نصرالدین طوسی.
۳۴. لنگ، جان، (۱۳۹۰)، آفرینش نظریه معماری، ترجمه: علیرضاعینی فر، چاپ پنجم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۳۵. معصومی، مسیح الله و میرخطیب، اسماء. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر طراحی فضاهای باز مجتمع های مسکونی در ایجاد حس دل بستگی به مکان (نمونه مورد مطالعه: مجتمع مسکونی ششصد دستگاه در شهر مشهد). فصلنامه تحقیقات جغرافیایی. ۳۲ (۳): ۷۳-۵۲.
۳۶. معین، م. (۱۳۸۴)، فرهنگ فارسی-یک جلدی. تهران: انتشارات ساحل.

۳۷. منتظرالحجه، مهدی. مجتبی شریف نژاد و مریم رجبی (۱۳۹۶)، سنجش عوامل کالبدی مؤثر بر حس امنیت در فضاهای شهری از دیدگاه سالمندان (مورد پژوهی: میدان خان یزد)، نشریه علمی-پژوهشی معماری و شهرسازی ایران، ۹ (۱۵): ۱۰۵-۹۱.
۳۸. نورائی، همایون (۱۳۹۸)، تعیین و بهبود محدوده های بالقوه وقوع جرم توسط رهیافت «جلوگیری از جرائم از طریق طراحی محیطی» (مطالعه موردی: محله همت آباد اصفهان)، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات برنامه ریزی - سکونتگاه های انسانی ۳ (۴۸): ۶۹۷-۷۱۵.
۳۹. نودری، ش. (۱۳۸۳)، رهنمودهای طراحی فضاهای باز مسکونی. صفه. ۴۵: ۳۹-۶۴.
۴۰. نهایندی پور، آرزو و علی رحمتی زاده، (۱۳۹۸)، عوامل مؤثر بر کاهش جرم و افزایش امنیت در پارک بانوان با استفاده از نظریه CPTED نمونه مطالعه: پارک بانوان رشت-منظریه، چهارمین کنفرانس ملی مهندسی عمران، معماری و شهرسازی، شیروان.
۴۱. یزدانی، سمیرا و سیاوش تیموری (۱۳۹۲)، فضاهای باز مجتمع های مسکونی بر افزایش تعاملات اجتماعی ساکنین (نمونه موردی: سه مجتمع مسکونی در اصفهان)، هویت شهر، ۱۵ (۷): ۹۲-۸۳.
42. Beeler JN (2011). Security planning for public spaces: testing a proposed CPTED rating instrument in Berlin, Germany, A thesis presented to the graduate school of the university of Florida in partial fulfillment of the requirements for the degree of master of arts in urban and regional planning.
43. Biddulph, M (2007), Introduction to Residential Layout, Architectural Press, Amsterdam.
44. Clarke, R. & Mayhew, P. (1980). Designing out Crime, HMSO, London.
45. Clarke, R. V; Eck, J (2003), Become a Problem Solving Crime Analyst in 55 small steps, Jill Dando Institute of Crime Science University College London.
46. Cleveland, G. & Saville, G. (2003, JUNE), Interoduction to 2nd Generation CPTED-Part2.CPTED perspective: The International CPTED Association Newsletter, pp.6-4.
47. Coleman, A (1985), Utopia on Trial: Vision and Reality in Planned Housing, Hilary Shipman, London.
48. Colquhoun, I. (2004), Design out Crime: Creating Safe and Sustainable Communities. Oxford, England: Elsevier Architectural Press.
49. Cozens, P., D.Hiller, G., Prescott,(2001). "Crime and the design residential Property-Exploring the Theoretical Background"; Journal of Property Management, Vol.19, Issue 2: PP 136-164.
50. Ekblom, P (2011), Deconstructing CPTED... and reconstructing it for Practice, Knowledge Management and Research, European Journal on Criminal Policy and Research, Vol. 17, pp. 7-28.
51. Francis, M (2003), Urban open space: Designing for user needs, Island Press, Washington D.C.
52. Gehl, j. (1987). *Life Between Buildings*. New York: Van Nostrand Reinhold.
53. Gronland, B., "Towards the Humans City for the 21st Century"; Stockholm, 2000.
54. Hoon, T. K(2003), Crime Prevention Through Environmental Design Guidebook, National Crime Prevention Council, Public Affairs Department.
55. Howard, J (1999), Fear of Crime, Society of Alberta
56. Jacobs, J. (1961). The death and life of great American cities. New York: Random House.
57. Jalili, M., Einifar, A., & Talischi, G. (2014). Open space of residential complexes and environmental responsiveness: A comparative study of three residential complexes in Hamadan. *Fine Arts and Architecture*, 18(19), 57-68.
58. Jalaladdini, S. and Oktay, D. (2011) Urban Public Spaces and Vitality: A Socio-Spatial Analysis in the Streets of Cypriot Towns. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 35, 664-674.
59. Jongejan A, Woldendorp T (2013). A successful CPTED approach: the dutch police label secure housing. *Built Environment*, Vol. 39, No. 1, pp. 31-48.
60. Khalizah Syed Othman Thani, Sharifah, Hanisah Mohd Hashim, Nor, Wan Ismail, Wan Hazwatiamani (2016), "Surveillance by Design: Assessment using principles of Crime Prevention through Environmental Design (CPTED) in urban parks", *Procedia - So - cial and Behavioral Sciences*, 234 (2016) 506 - 51.
61. Landsman, K, (2000). An Overview of Enclosed Neighborhoods in South Africa, CSIR, Pretoria.
62. Maslow, A. (1996). Motivation and personality (M. A. Rezvani, Trans.): Astan-e Ghods Publications.
63. Marcus, Clare Cooper; Sarkissian, Wendy (1986), Housing as If People Mattered: Site Design Guidelines for Medium-Density Family Housing, Berkeley, University of California Press.
64. Metlife Foundation. (2008), www.policefuturists.org. Retrieved April 27, 2011, from police futurists International: [www.policefuturists.org/pdf/LISC-Safe Growth-final. pdf](http://www.policefuturists.org/pdf/LISC-Safe%20Growth-final.pdf).
65. Naghibi, M. S., Faizi, M., Khakzand, M., & Fattahi, M. (2015). Achievement to Physical Characteristics of Security in Residential Neighborhoods. *Social and Behavioral Sciences*, 201, 265 - 274.
66. Newman, O. (1973) "Defensible Space: People and Design in the Violent City", London, Architectural Press
67. Okunola, S. & Dolapo Amole (2012). Perception of Safety, Social Participation and Vulnerability in an Urban Neighbourhood, Lagos, Nigeria, *Social and Behavioral Sciences* 35: 505 - 513.
68. Pfeifer, G. & Brauneck, P (2008), Courtyard Houses: A Housing Typology, Springer, Berlin.
69. Porteous, D.J(1977). Environmental and Behavior: planning and everyday urban life, Reading, MA, Addison-Wesly.
70. Scotthanson, C., & Scotthanson, K. (2005). *The Cohousing Handbook: A Place for Community*. (1st ed.). Canada: New Society Publishers.
71. Shieh, E., (2007). Introduction to urban planning foundations, Tehran, Iran science and technology university publications, 19th edition [in Persian].
72. Trancik R (1986). Finding lost space: theories of urban design, John Wiley & Sons.
73. Tzonis A. (2006). Rethinking Design Methodology for Sustainable Social Quality, in J. H. Bay and B. L. Ong. (Ed.), *Tropical Sustainable Architecture: Social and Environmental Dimensions* (pp. 17-28). Oxford: Architectural Press.
74. Untermann, R., Small, R., 1977. Site Planning for Cluster Housing. Van Nostrand Reinhold Company, New York.
75. Yazdanfara, S. A. A., & Nazarib, N. (2015). Proposed Physical-Environmental Factors Influencing Personal and Social Security in Residential Areas. *Social and Behavioral Sciences*, 201, 224 - 233.